



## جنبش تحفظ پشتون پاکستان خواهان توقف مداخلات اسلام آباد در امور افغانستان شد

جنبش تحفظ پشتون پاکستان (PTM) دیروز گردهمایی بزرگی را با حضور منظور احمد پشتین، رهبر این جنبش در منطقه‌ی مکین وزیرستان جنوبی برگزار کرد. در این گردهمایی بر توقف مداخلات پاکستان در امور افغانستان تأکید شده است.



صفحه ۲

### دبیرکل ناتو وضعیت امنیتی در افغانستان را پرچالش خواند

صفحه ۲

نماینده‌ی عزیزی بانک در شهر نیلی، مرکز دایکندی افتتاح شد



صفحه ۲

### زبانی که طالبان می‌فهمند

صفحه ۳

ایران و طالبان؛

تهدیدی که دست کم گرفته شده است

صفحه ۴

### ازدواج اجباری برای فرار از جهادالنکاح

صفحه ۷

یادداشت روز

### ضرورت فعال شدن اهرم‌های فشار؛ اعلامیه‌ی روم باید از نصیحت فراتر برود

پس از آغاز روند خروج نیروهای خارجی از افغانستان، طالبان برای حمله بر قلمروهای تحت تصرف دولت خیز بزرگی برداشت. در ظرف نزدیک به دو ماه این گروه موفق شد بیش از صد و بیست و هفت کیلومتر مربع را به تصرف خود درآورد. این موج حمله، به نوعی روایت مصالحه را در کشور به زیر و جنگ را به سطح آورد. رهبران سیاسی طالبان در موازات با حملات و موفقیت‌های فرماندهان نظامی و جنگجویان‌شان در میدان جنگ، پیام‌هایی حاوی اعمال فشار نظامی بر دولت افغانستان، امکان تصرف شهرها به دست این گروه و به عبارت دیگر، روایت فتح و سقوط را مخابره کردند.

در روزهایی که مردم افغانستان در اوج شدت گرفتن جنگ در سراسر کشور، عید قربان را تجلیل می‌کردند، هیأتی بلندرتبه به ریاست عبدالله عبدالله به دوحه رفت تا به زعم خودشان با «صلاحت و جدیت»، مذاکرات متوقف‌شده‌ی بین‌افغانی را به جریان اندازند...

۲

تحلیل ۴

### به جای انباشت گورستان‌ها، باغستان می‌توان ساخت

تا رسم احترام ادا کرده و فرصتی ایجاد کند تا جوانان خشمگین و معترض آرام شوند. با آن حرکت سنجیده و خونسرد، عسکر فضایی را شکستند که دوام‌اش ممکن بود با شلیک عسکر همراه‌اش بر سینه‌ی معترضان و شروع یک فاجعه‌ی بزرگ‌تر باشد. ظرافت عمل این عسکر، در دهم‌زنگی که دقایقی قبل...

عسکری منظم و استوار تفنگ‌اش را به هم‌ردیفش داد و از صف دوم به قطار اول آمد. سرباز دیگری در قطار اول زانو زده و تفنگ‌اش را به طرف معترضان نشانه گرفته بود. عسکر پولیس، در مقابل سربازی که تفنگش را به سوی اعتراض‌کنندگان نشانه گرفته بود قرار گرفت، هر دو دست خود را به شکل متقاطع به روی سینه گذاشت

ترجمه ۵



### چگونه از فاجعه در افغانستان جلوگیری کنیم؟

اوضاع در افغانستان به سرعت رو به وخامت می‌رود. با آغاز روند خروج نیروهای آمریکایی و شرکای بین‌المللی واشنگتن از افغانستان طی چند ماه گذشته، قلمرو تحت کنترل طالبان تقریباً سه برابر شده است. اگر ایالات متحده و متحدانش فوراً اقدام نکنند...

۳

تحلیل

### رویارویی منطقه با محوریت چین علیه امریکا در افغانستان

امریکا بیست سال پیش، درست زمانی با نیروی نظامی کنترل افغانستان را در دست گرفت که هیچ رقیب جدی در منطقه نداشت؛ اما این کشور نگران رقیبان بالقوه‌ی منطقه‌ی بود. امریکا می‌دانست که دیر یا زود، چین و روسیه به بازی‌گران عمده‌ی منطقه‌ی وای بسا جهانی در برابر این کشور تبدیل شوند. امریکا به‌احتمال نزدیک به یقین، با چنین نگرشی، راهبرد سیاسی-نظامی‌اش را در افغانستان طوری پی‌ریزی کرد که در زمان لازم بتواند توان رقیبان منطقه‌ی را در افغانستان به چالش بکشد. شاید بتوان محتوای اصلی راهبرد امریکا در افغانستان را چنین فشرده کرد:

- ۱- توسعه‌ی ناپایدار افغانستان به‌منظور وابسته‌ماندن طولانی مدت به همکاری‌های مالی و...

New Semester  
July 31, 2021

# Join us to Actualize your Academic Dreams!

خانه  
موفقیت  
The TOEFL HOUSE  
Unlock the World with TOEFL

0747 994 244  
0745 651 844  
0747 918 200

شعبه کوه سگی: گولابی دوخانله، ایستگاه سابقه.  
شعبه برجی: ایستگاه مغازه، رویروی جلیلی بستر.  
شعبه سلیم کلونی: سردک چهارمتره، چهارپایه سلیم کلونی.

TOEFL House

ادامه‌یادداشت‌روز

## جنبش تحفظ پشتون پاکستان خواهان توقف مداخلات اسلام‌آباد در امور افغانستان شد

۱۳۹۶ خورشیدی پس از آن شکل گرفت که نقیب‌الله مسید، یک مرد جوان توسط پولیس شهر کراچی کشته شد. این قتل باعث شد که ده‌ها هزار نفر از پشتون‌های پاکستان تجمعات اعتراضی برگزار کنند. با ادامه‌ی این اعتراضات بود که منظور پشتین به سخن‌گوی معترضان بدل شد و سپس در نقش رهبری جنبش تحفظ پشتون پاکستان ظاهر شد. گردهمایی جنبش تحفظ پشتون پاکستان در حالی برگزار شده است که تنش میان افغانستان و پاکستان شدت گرفته و مقامات دو طرف اتهام‌هایی را علیه هم مطرح می‌کنند. پاکستان نیروهای ارتش را در مرز با افغانستان مستقر کرده است.

در همین حال، افراسیاب ختک، سناتور پیشین پاکستان نیز در توییتهای نوشته‌اش است که گردهمایی بزرگ پشتون‌ها دیروز در مکن و زیرستان جنوبی با جنگ اعلام‌ناشده‌ی پاکستان علیه افغانستان که در آن مردم بی‌گناه کشته می‌شوند، مخالفت کرده است. ختک نوشته‌اش است که این گردهمایی در همبستگی با مردم، صلح و نظام جمهوری اسلامی افغانستان بوده و از سوی رسانه‌های پاکستانی پوشش نیافته است. از سوی هم، خود منظور پشتین نوشته‌اش است که حکومت پاکستان به‌خاطر برگزارنشده‌ی این گردهمایی بسیار تلاش کرد، اما موفق نشده است. جنبش تحفظ پشتون پاکستان در سال

پشتون‌نشین پاکستان) تباهی و برپادی آورده است و «ما پالیسی جنگ هیچ کسی را در خاک خود قبول نداریم». رهبر جنبش تحفظ پشتون پاکستان نوشته‌اش است که حکومت پاکستان همیشه از خاک خیبرپشتونخواه به‌خاطر اهداف خود بر ضد افغانستان استفاده کرده است. او تأکید کرده است: «جنبش تحفظ پشتون پاکستان همیشه در برابر این‌ها [حکومت پاکستان] ایستادگی خواهد کرد و دیگر به هیچ کسی این اجازه را نمی‌دهد که خاک پشتونخواه را بر ضد افغانستان استفاده کند». منظور پشتین در بخشی از یادداشت خود نوشته است: «ما به رأی مردم افغانستان احترام داریم و همیشه با آنان خواهیم بود.»

اطلاعات روز: جنبش تحفظ پشتون پاکستان (PTM) دیروز گردهمایی بزرگی را با حضور منظوراحمد پشتین، رهبر این جنبش در منطقه‌ی مکن و زیرستان جنوبی برگزار کرد. در این گردهمایی بر توقف مداخلات پاکستان در امور افغانستان تأکید شده است. منظوراحمد پشتین در صفحه‌ی رسمی فیسبوک خود نوشته‌اش است که پیام واضح این گردهمایی این بود که آنان دیگر نمی‌گذارند از خاک پشتونخواه بر ضد افغانستان استفاده شود. ظاهراً اشاره‌ی او به پناه‌گاه‌های امن طالبان افغانستان در خیبرپشتونخواه بوده است. آقای پشتین نوشته‌اش است که جنگ افغانستان به این طرف مرز (ساحات

هیأت‌های عالی‌رتبه‌ی دولت افغانستان و طالبان در دوحه، بر تسریع مذاکرات بین‌افغانی و دوام مذاکرات در سطح نمایندگان عالی‌رتبه‌ی دوطرف توافق کردند.

اما در مراسم برگزاری نماز عید در ارگ ریاست‌جمهوری، رئیس‌جمهور غنی، یکی از شدیدالحن‌ترین مواضع‌اش در طول ۶ سال گذشته را خطاب به طالبان اعلام کرد. رئیس‌جمهور افغانستان گفت طالبان صلح نمی‌خواهند و به‌دنبال تحمیل حاکمیت‌شان بر افغانستان است و از این رو، حکومت افغانستان آمادگی دفاع از کشور در برابر حملات این گروه را خواهد گرفت. آقای غنی از طرح‌های تازه‌ی امنیتی و نظامی حکومت‌اش برای برگرداندن ورق جنگ در جریان شش ماه آینده خبر داد و چند روز بعد در دیدار با قطعات خاص و نیروهای کماندوی ارتش، اعلام کرد آغاز فشار نظامی حکومت افغانستان بر طالبان ثابت خواهد کرد که این کشور تسلیم زور نمی‌شود.

در اوج‌گرفتن اظهارات جنگی و نظامی از سوی رهبران طالبان و رئیس‌جمهور افغانستان اما، نمایندگان ایالات متحده، سازمان ناتو، اتحادیه‌ی اروپا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ناروی در شهر روم با هم دیدار کردند. این دیدار در اعلامیه‌ی پایانی‌اش از برگزاری و دوام مذاکرات سطح بالای صلح میان دولت افغانستان و طالبان استقبال کرد و از دو طرف خواست به‌دلیل طولانی‌بودن روند توافق بر سر مفاد و تدوین قانون اساسی آینده، عجلتا در مورد آتش‌بس، اصول اساسی برای دولت آینده‌ی افغانستان و جزئیات حکومت انتقالی تا رسیدن به یک توافق نهایی مذاکره و توافق کنند.

واقع این است که طالبان بیش از آن که بر مذاکرات صلح متمرکز باشند، به تشدید جنگ، ایجاد فشار نظامی بر دولت و مردم افغانستان و تصرف قلمروهای بیشتر فکر و برنامه‌ریزی می‌کنند. حکومت افغانستان نیز در مقابل، روایت جنگ و فاصله‌گرفتن از مذاکرات صلح را به سطح آورده است. آنچه رئیس‌جمهور غنی در پیام عید‌اش گفت، اگر در عمل نیز اجرایی شود، ممکن است به شدت‌گرفتن جنگ در بالاترین حد آن در دو دهه‌ی گذشته بینجامد. هرچه روایت جنگی و نظامی بیشتر به سطح آمده و خشونت‌ها شدت بگیرد، به همان میزان شانس روند سیاسی برای حل منازعه کاهش یافته و مرحله‌ی اعتمادسازی برای مذاکرات صلح و توافق سیاسی میان طرف‌ها آسیب می‌بیند. به‌نظر می‌رسد مذاکرات صلح افغانستان بیش از هر زمانی به طرف‌های میانجی و تسهیل‌گر ضرورت دارد تا اگر نگویی بن‌بست، دست‌کم ایستایی کنونی در مذاکرات بین‌افغانی میان دولت افغانستان و طالبان را بشکنند. از آن مهم‌تر، طرف‌های بین‌المللی درگیر در صلح و منازعه‌ی افغانستان باید علاوه بر حمایت یا مخالفت با چگونگی پیشبرد روند صلح و فراتر از توصیه به این یا آن طرف جنگ، به‌صورت مؤثر و معنادار از ابزارهای فشار برای گرم‌کردن میز مذاکرات استفاده کنند.

بنابراین، طرف‌هایی که در شهر روم جلسه برگزار کردند باید برای تسریع روند صلح و حفاظت از روند سیاسی جاری در برابر آسیب‌های شدت‌گرفتن روایت جنگی، فراتر از استقبال، حمایت و توصیه عمل کنند. تنها توصیه و تشویق و حمایت کافی نیست. ایالات متحده، اتحادیه‌ی اروپا، سازمان ملل متحد و همه‌ی کشورها و طرف‌های دخیل و تأثیرگذار در روند صلح افغانستان باید از ابزارهای فشار و تشویق‌شان برای تسریع مذاکرات بین‌افغانی به‌صورت مؤثر و معنادار استفاده کنند. مردم افغانستان با گذشت هر روز، متحمل قربانی بیشتر می‌شوند. تلفات ملکی در دو ماه اخیر رکورد دو دهه‌ی اخیر را شکسته است. علاوه بر تلفات انسانی شدت‌گرفتن خشونت و توقف در مذاکرات، دوام جنگ روند سیاسی جاری که هرچند متوقف شده اما یک فرصت طلایی برای افغانستان است را آسیب می‌زند. اهرم‌های فشار باید فعال شود.

## دبیرکل ناتو وضعیت امنیتی در افغانستان را پرچالش خواند

اطلاعات روز: نینس استولتنبرگ، دبیرکل سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) با رئیس‌جمهور اشرف غنی تلفنی صحبت کرده است. آقای استولتنبرگ پس از این تماس تلفنی در توییتهای نوشته‌اش است که وضعیت امنیتی در افغانستان پرچالش است و نیاز به راه‌حل از راه مذاکره دارد. او همچنین نوشته‌اش است که ناتو به حمایت از افغانستان از طریق تأمین بودجه، حضور غیرنظامی و آموزش نیروهای دفاعی و امنیتی در خارج از افغانستان، ادامه می‌دهد. ارگ ریاست‌جمهوری تا کنون در مورد این تماس تلفنی چیزی نگفته است. تماس تلفنی دبیرکل ناتو با رئیس‌جمهور غنی در شرایطی انجام شده است که روند خروج نیروهای خارجی جریان دارد. این روند قرار است تا ۱۱ سپتامبر کامل شود.

وزارت داخله:

## خبرنگاران محلی در قندهار به اتهام تبلیغ برای دشمن بازداشت شده‌اند

این انجمن گفته بود که امنیت ملی قندهار این افراد را به‌دستور شورای امنیت ملی بازداشت کرده است. صبح دیروز نهاد حمایت‌کننده‌ی رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) اعلام کرد که با گذشت ۲۴ ساعت از بازداشت این خبرنگاران محلی، هنوز از سرنوشت آنان خبری در دست نیست. این نهاد خواستار روشن‌شدن سرنوشت و رهایی آنان شده است. سازمان عفو بین‌الملل هم در توییتهای بازداشت این خبرنگاران ابراز نگرانی کرده و خواستار رهایی آنان شده است.



قندهار توسط امنیت ملی بازداشت شده‌اند. براساس اعلام این انجمن، آنان برای تهیه‌ی گزارش تحقیقی در مورد «قوم‌کشی» توسط جنگ‌جویان گروه طالبان به ولسوالی اسپین‌بولدک رفته بودند.

افغانستان به آزادی بیان احترام دارد، ولی برای آزادی بیان هم حدود مشخصی در قانون اساسی و سایر قوانین نافذی کشور تعریف شده است. او تأکید کرده است: «هر نوع تبلیغ به نفع دشمن و تروریست و خلاف منافع ملی جرم به حساب می‌آید». دو روز پیش انجمن خبرنگاران آزاد افغانستان گفته بود که بسم‌الله وطن‌دوست، قدرت سلطانی و محب عبیدی، کارمندان رادیو «صدای ملت» و ثناءالله صیام، تصویربردار خبرگزاری شینوا در هنگام برگشت از ولسوالی اسپین‌بولدک در شهر

اطلاعات روز: به دنبال بازداشت چهار خبرنگار محلی در ولایت قندهار توسط نیروهای امنیت ملی، وزارت امور داخله‌ی کشور می‌گوید که آنان به اتهام «تبلیغ برای دشمن» بازداشت شده‌اند. میرویس استانکزی، سخن‌گوی وزارت داخله دیروز (سه‌شنبه، ۵ اسد) گفته است که نهادهای امنیتی افغانستان تحقیقاتش را در این مورد آغاز کرده‌اند. او افزوده که این نهادها با تکمیل تحقیقات، در روشنی قانون عمل خواهند کرد. آقای استانکزی گفته است که حکومت

## یک فروند چرخبال ارتش در هلمند نشست اضطراری کرد

نوعیت این چرخبال M17 گفته شده و پس از نشست اضطراری، از سوی نیروهای هوایی در ساحه‌ی عملیاتی تخریب شده است. قول اردوی ۲۱۵ میوند همچنین گفته است که در جریان عملیات براساس آمارهای ابتدایی، حدود ۳۰ جنگ‌جوی گروه طالبان کشته و زخمی شده‌اند. گروه طالبان ادعا کرده است که این چرخبال توسط جنگ‌جویان این گروه سقوط داده شده است. این گروه درباره‌ی تلفات جنگ‌جویان چیزی نگفته است. ولایت هلمند در حوزه‌ی جنوب‌غرب کشور موقعیت دارد. در بخش‌هایی از این ولایت نامن، جنگ‌جویان گروه طالبان حضور و فعالیت دارند.

## حمله بر کاروان موترهای سیدداوود نادری در بغلان؛ دو نفر کشته شدند

نادری گفته است که در این رویداد، پنج نفر کشته و دو نفر زخمی شده‌اند. او در مورد انفجار چیزی نگفته، اما افزوده است که کاروان موترهای آقای نادری در کمین خورده است. گروه طالبان هنوز چیزی در این مورد نگفته است. ولایت بغلان در شمال‌شرق کشور از ولایت‌های نامن است که جنگ‌جویان گروه طالبان در بیشتر نقاط این ولایت از جمله ولسوالی دوشی حضور و فعالیت گسترده دارند. این گروه در ماه‌های اخیر به حملاتش در این ولایت شدت بخشیده است.

دوشی به طرف شهر پل‌خمری در حرکت بوده است. سخن‌گوی فرماندهی پولیس بغلان همچنین گفت که هم‌زمان با این انفجار، شماری از جنگ‌جویان طالبان بر کاروان موترهای رییس عمومی شورای اسماعیلیان کشور حمله کرد بودند. آقای بشارت گفت که این حمله با اعزام نیروهای پولیس در ساحه دفع شده است. به گفته‌ی او، در جریان این درگیری به جنگ‌جویان طالبان تلفاتی وارد شده، اما رقم دقیق آن هنوز مشخص نیست. زهرا فرخنده نادری، عضو شورای عالی مصالحه‌ی ملی و از نزدیکان سیدداوود



به شفاخانه در شهر پل‌خمری، مرکز بغلان منتقل شده‌اند. به گفته‌ی او، این انفجار ناشی از برخورد یکی از موترهای کاروان موترهای آقای نادری با ماین کنارجاده‌ای بوده است. این رویداد زمانی رخ داده که او از ولسوالی

اطلاعات روز: منابع امنیتی در ولایت بغلان تأیید می‌کنند که در نتیجه‌ی انفجار ماین کنارجاده‌ای در ولسوالی دوشی این ولایت، دو محافظ سیدداوود نادری، رییس عمومی شورای اسماعیلیان افغانستان کشته شده‌اند. جاوید بشارت، سخن‌گوی فرماندهی پولیس بغلان به روزنامه اطلاعات روز گفت که این رویداد حوالی ساعت ۱۱:۰۰ قبل از چاشت دیروز (سه‌شنبه، ۵ اسد) در ساحه‌ی «کیله‌گی» ولسوالی دوشی رخ داده است. آقای بشارت افزود که در این انفجار، دو محافظ دیگر سیدداوود نادری زخمی شده‌اند. زخمیان هم‌اکنون برای درمان

## رویارویی منطقه با محوریت چین علیه امریکا در افغانستان



”

خستگی مفرط مردم افغانستان از طولانی شدن جنگ، سبب نفرت فزاینده شان از امریکا شده؛ زیرا بازی های مرموز امریکا در این کشور، دیگر جای شکی باقی نگذاشته که این کشور خلاف ادعاهای اعلامی، علاقه ای به آوردن صلح واقعی و پایدار ندارد.

”

### صیبا رفعت

به امریکا نمی توان به صلح رسید؛ بعید به نظر می رسد که مردم و دولت افغانستان به تنهایی قادر به خنثا کردن این راهبرد باشند؛ اما در صورتی که کشورهای منطقه؛ چون روسیه، چین و ایران در هماهنگی باهم، به عنوان جاگزین امریکا، در کنار افغانستان بایستند، نقش افغانستان در عقیق کردن راهبرد امریکا در افغانستان، تعیین کننده است. تصور بر این است که حکومت افغانستان با توجه به چنین ارزیابی، رابطه اش را با کشورهای منطقه به ویژه با چین -به عنوان بزرگترین حامی بالقوه مردم افغانستان- در سطح راهبردی نزدیک کرده باشد.

**۲- رقیبان منطوقی امریکا در افغانستان:** جدی ترین رقیبان امریکا در بازی افغانستان، روسیه، چین و ایران اند. هر یک از این کشورها توانایی های منحصربه فردی در خنثاسازی راهبرد جنگ افروزانیه امریکا در افغانستان دارند؛ البته نقش ایران زمانی می تواند از قوه به فعل درآید که روسیه و چین در اتحاد با این کشور رویاروی امریکا بایستند.

در مورد این که رقیبان منطوقی امریکا در بیست سال اخیر در روند بازی های امریکا در افغانستان در کجای کار بوده اند و خواهند بود، می توان چنین حدس زد:

بعید به نظر می رسد که همسایگان افغانستان به ویژه چین و روسیه از هدف های بالقوه ی امریکا علیه خود، از همان آغاز حضور این کشور در افغانستان بی خبر بوده باشند؛ اما دشواری روسیه و چین در آغاز این بود که از لحاظ اقتصادی، نظامی و سیاسی در موقعیتی نبودند که بتوانند راهبرد بالقوه مخرب امریکا علیه خود را به چالش کشند. تنها کاری که این کشورها می توانستند بکنند، در مرحله نخست سکوت کردن تا رسیدن به مرز توانایی رویارویی با امریکا (۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰)، در مرحله دوم برنامه ریزی برای خنثاسازی راهبرد امریکا در افغانستان (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶)، در مرحله سوم اقدام عملی برای خنثاسازی این راهبرد (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۴) و در مرحله چهارم تلاش برای توسعه ی پایدار افغانستان به منظور بی نیاز شدن از همکاری های گسترده ی نظامی- سیاسی امریکا (پس از ۲۰۲۴). زمان بندی این مرحله ها بر اساس افزایش سال افزون قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی چین و روسیه و کاهش تدریجی حضور نظامی امریکا در افغانستان، طور تخمین قابل سنجش دانستم.

**۳- توانایی های مشترک افغانستان و منطقه در ایجاد صلح پایدار:** توانایی های مشترک افغانستان و منطقه در ایجاد صلح

پایدار را می توان چنین برشمرد: دولت افغانستان، کشورهای همسایه و منطقه، صلح پایدار را به نفع خود می دانند؛ این وجه مشترک کافی است که این ها را برای اقدام مشترک در جهت صلح آوری، در برابر امریکا متحد کند. در میان کشورهای منطقه شاید نتوان هند را در آوردن صلح، چندان صادق دانست؛ زیرا جنگ افغانستان، پاکستان را از برنامه های چالشی در برابر هند دور می کند. تا جنگ در افغانستان هست، هند می تواند خواب راحت تری در کنار دشمن خود پاکستان داشته باشد.

در میان کشورهای منطقه، پاکستان با آن که عامل اصلی جنگ افغانستان است؛ اما فراموش نکنیم که این کشور به باری امریکا توانسته تا این جای کار آتش را در افغانستان شعله ور نگاه کند، با قدرافزایی کشورهای منطقه به ویژه چین جهت آوردن صلح در افغانستان، دشوار به نظر می رسد که این کشور به سبب گره خوردگی اقتصادش با چین، هم چنان بر طبل جنگ بکوبد.

**۴- چین توانا تر از امریکا در آوردن صلح:** نقش چین در افغانستان در حال افزایش است. دست کم عامل های زیر را در نقش افزایی چین و کاهش نقش امریکا می توان اثرگذار دانست: الف) اقتصاد: نگاه چین در توسعه ی رابطه با افغانستان، اقتصادمحور و از امریکا نظامی محور است.

ب) صلح پایدار: صلح پایدار به صورت طبیعی زمینه ساز توسعه ی رابطه ی افغانستان با همسایگان و منطقه به ویژه با چین است؛ اما استمرار جنگ و بهانه ی مبارزه با تروریسم زمینه ساز حضور امریکا در این کشور است. پ) توسعه ی پایدار: چین در بخشی از برنامه ی چهاردهم توسعه ای خود زیر نام «چهاردهمین برنامه ی پنج ساله برای توسعه ملی اقتصادی و اجتماعی جمهوری خلق چین و طرح هدف های بلندمدت برای سال ۲۰۳۵» به منظور ایجاد زمینه برای تعامل سازنده و بسط منافع های اقتصادی دوجانبه با کشورهای عقب مانده، خود

را مکلف کرده است که این کشورها را جهت رسیدن به «توسعه ی پایدار» همکاری کند؛ هدفی که می تواند برای افغانستان در توسعه ی رابطه با چین دل خوش کننده و اطمینان بخش باشد؛ اما امریکا که در پی چوب گذاشتن لای چرخ پیشرفت جهشی چین از طریق تروریسم پروری در افغانستان است، به نفعش نیست که این کشور به توسعه ی پایدار دست یابد.

چین پول کافی: چین پول کافی برای همکاری مالی درازمدت با کشورهای نیازمند در اختیار دارد که افغانستان می تواند یکی از آن کشورها باشد؛ اما امریکا به سبب کندشدن روند رشد اقتصادی اش در سال های پسین، نمی تواند به افغانستان، چون گذشته سخاوتمندانه کمک کند. ث) چرخش در افکار عمومی افغانستان علیه امریکا: خستگی مفرط مردم افغانستان از طولانی شدن جنگ، سبب نفرت فزاینده شان از امریکا شده؛ زیرا بازی های مرموز امریکا در این کشور، دیگر جای شکی باقی نگذاشته که این کشور خلاف ادعاهای اعلامی، علاقه ای به آوردن صلح واقعی و پایدار ندارد. این چرخش ایجاد شده در منظومه ی فکری مردم افغانستان، زمینه ی مناسبی برای نزدیکی این کشور با رقیبان منطوقی به ویژه چین شده.

با توجه به نکته هایی که گفته شد، بی دلیل نیست که امریکا در این شب و روزها به شدت نگران انکشاف های اخیر امنیتی افغانستان، و از دست دادن کنترل لازم بر دولت افغانستان است. تماس تلفنی هفته ی پیش بایدن رییس جمهور امریکا و پس از آن، نشست امریکا، ناتو و شماری از کشورهای اروپایی در ایتالیا و صدور اعلامیه ی مشترک در پیوند به حمایت از افغانستان با تاکید بر ضرور دانستن دولت انتقالی، و در پی آن بلافاصله سفر وزیر دفاع آن کشور به افغانستان، نشان دهنده ی دست پاچگی این کشور در قبال انکشاف های امنیتی اخیر افغانستان است؛ این در حالی است که در سخنان و عملکرد دولت افغانستان چندان نشانه ای از دست پاچگی دیده

### تحلیل

## زبانی که طالبان می فرمند

در برابر چنین پدیده ای، چه اهمیتی دارد که حکومت افغانستان برود و در سپین بولدک تحقیق کند که طالبان چگونه به نسل کشی دست زده اند؟ حکومت وظیفه اش بررسی نیست. وظیفه ی حکومت مجازات عاملان نسل کشی است. طالبان فقط زبان مجازات را می فهمند. در هیچ جای جهان حکومت ها وعده نمی دهند که جنایات گروه های تروریستی در حق شهروندان خود را مورد بررسی قرار خواهند داد. نفس فعالیت گروه های تروریستی غیرمجاز است و هر کار و هر حرکتی که یک گروه تروریستی بر ضد مردم بکند، با مجازات حد اکثری روبه رو می شود. همین که حکومت افغانستان می گوید کشتار غیر نظامیان در سپین بولدک به دست یک گروه تروریستی را بررسی خواهد کرد، نشان می دهد که این گروه در نظر دولت از میزانی از مشروعیت برخوردار است و حکومت باور ندارد که چنان جنایتی از طالبان سر زده باشد.

حرمات و افسردگی و تیرگی نمی زاید. در نظام امارت اسلامی مردمان کشور باید با سرهای افکنده و قلب های اندوهگین از فرمان های خشن و غیرانسانی طالبان اطاعت کنند و جز رفتن به نماز جمعه و دادن جزیه به طالبان به هیچ چیز دیگری فکر نکنند. زنان باید در پشت دیوارها محبوس شوند و مردان (اگر چپ و راست کشته نشوند) باید ریش های بلند بگذارند و تا زنده اند با ترس و دلهره از خانه بیرون بیایند تا مگر لقمه نانی برای خانواده ی خود پیدا کنند. در امارت اسلامی هیچ اهمیتی ندارد که سازمان ملل چه می گوید و نظر فلان نهاد حقوق بشری درباره ی افغانستان و رفتارهای طالبان چیست. در امارت اسلامی هیچ اهمیتی ندارد که کشور زیرساخت های اقتصادی دارد یا ندارد، پول کشور ارزش دارد یا ندارد، مردم برق دارند یا ندارند، مکاتب و دانشگاه ها باز هستند یا باز نیستند و مردم از حکومت راضی هستند یا راضی نیستند.

چیز به همان ساختاری است که در آن حقوق بشر بهتر رعایت می شود. در این صورت، شعار طالبان به جای این که برپایی امارت اسلامی باشد، حمایت از «جمهوری دموکراتیک افغانستان» می شد. امارت اسلامی طالبانی چگونه نظامی است؟ امارت اسلامی نظامی است که در آن توسعه ی اقتصادی کشور اهمیتی ندارد، حقوق بشر و آزادی فردی اهمیتی ندارد، بالاتر رفتن سطح سواد و استانداردهای زندگی شهروندان اهمیتی ندارد، رعایت حقوق کودکان و توانمندسازی زنان اهمیتی ندارد، جایگاه افغانستان در جامعه ی جهانی اهمیتی ندارد، بهبود معیارهای صحتی و گسترش نهادهای علمی اهمیتی ندارد و در یک کلام زندگی مرفه و پیشرفته ی عصری اهمیتی ندارد. تنها چیزی که در امارت اسلامی از اهمیت فوق العاده برخوردار است، تحمیل یک سیستم کهنه و از کار افتاده از باورهای ظالمانه ی قرون وسطایی است که از آن جز درد و

### سخنچید هائف

رسانه ها گزارش دادند که طالبان در منطقه ی مرزی سپین بولدک بیش از صد تن از غیرنظامیان را از خانه های شان بیرون کشیده و تیرباران کرده اند. حالا حکومت می گوید که این ماجرا را به عنوان مصداق «نسل کشی» مورد بررسی قرار خواهد داد.

فرض کنید حکومت بتواند این جنایت را به درستی بررسی کند و روشن شود که کشتار آن غیرنظامیان مصداق روشن نسل کشی است. فرض کنید که حکومت نتایج تحقیقات خود را با سازمان ملل و نهادهای حقوق بشری در میان بگذارد. بعدش چه؟

طالبان اگر پروای حقوق بشر را می داشتند یا به هیچ تعهد انسانی و اخلاقی پابند می بودند، چرا این همه سال جنگیدند؟ طالبان دقیقاً برای برپا کردن نظامی می جنگند که در آن حقوق بشر ارزشی نداشته باشد. اگر بنا بود که طالبان احترام و اعتنایی به حقوق بشر داشته باشند، یک نظام جمهوری دموکراتیک فعلاً نزدیک ترین



## به جای انباشت گورستان‌ها، باغستان می‌توان ساخت

دارند و گویا در پی به دست‌آوردن حقی هستند، راه رسیدن به حقوق‌شان را در نظم و خشونت‌پرهیزی ببینند. اما جنبش روشنائی و همه‌ی آن چشم‌اندازها در چهارراه دهمزنگ به انفجار بسته شد. و بیشتر پی بردیم که تا زمانی که انفجار و انتحار و بمب، جزء رویکردهای طرفه‌های مسائل افغانستان، چه خود، چه همسایه و چه بیگانه باشد، همه‌ی حرکت‌ها، آرمان‌ها و نهال‌هامان در خطر جدی قرار دارد.

در دهه‌ای که جنبش روشنائی در آن تمرین شد، درس‌های بزرگی برای آینده‌ی افغانستان نهفته است. هنگامی که فضای عام از دود و آتش جنگ پاک شود و یا حتا عزم پاک‌شدن این فضا جزم‌شدن بگیرد، آن درس‌ها به کار خواهند رفت.

فضای پنج سال بعد از فاجعه‌ی ۲ اسد ۱۳۹۵، مخلوطی از روشنی و تاریکی افغانستان بعد از ۲۰۰۱ است. از دست‌رفتن جان‌های

ظلم در فضاهای عمومی و خیابان‌ها بودیم؛ روشی که جنبش تبسم در پیش گرفت و تا حدی در جنبش روشنائی ادامه یافت. تحرک و روشنگری این جریان‌ها به ما دلگرمی می‌بخشید. این جریان‌ها فضای عام افغانستان را از انحصار، تاریکی، تصادم و تجلیل این و آن یا دوستی فلان خان با فلانی جان که تا آن زمان مروج بود، بیرون می‌کرد. آرمان ما این بود که این روش ادامه یابد بلکه روزی در تمام گوشه‌های افغانستان مردم برای به دست آوردن آن چه را که حق خود می‌دانند، صدا بلند کنند، به پا ایستند، منسجم شوند و گام بردارند. از نقاطی این صداها بلند شوند که زندگی در آن جاها بیش‌تر در خطر بود. امید ما این بود که کامیابی جنبش روشنائی، برای همه‌ی مردم به عنوان یک روش درست و مفید برای پیگیری مطالبات و طرح خواسته‌های شان الهام‌بخش شود. فراتر از آن، حتا جنگجویانی که تفنگ به دست

گسترش یافته است، بارها به آن چند ثانیه از تاریخ معاصر وطن برگشته‌ام. آن چه در ذهنم مانده و در یادداشت‌هایم از آن روز دارم، این است که در آن لحظات زندگی گم بود. هر طرف خشم و خون و سوختگی، و جسد و پاره‌های بدن انسان بود. در شهری که همه از خود بودیم، قطب‌ها شکل گرفته و راه‌ها با کانتینرهای بی‌حس و بی‌جان بند. انفجار، انسان‌های بی‌شماری را به خاک و خون کشیده بود و آن‌هایی هم که زنده مانده بودند در مقابل ماشه‌ی تفنگ قرار داشتند.

قبل از انفجار آن روز، گرده‌مایی جنبش روشنائی در چوک دهمزنگ نمایشی از آزادی‌ها و ارزش‌هایی بود که افغانستان بعد از ۲۰۰۱ به آن‌ها دست یافته بود. حق تجمع و دادخواهی، تقاضای سیاست‌گذاری‌های انسان‌محور و حق‌محور، ساز، سرود و شادی و باهمی مرد و زن که شانه به شانه‌ی هم در حرکت بودند. جوانانی که شعار می‌دادند، شعور نیز داشتند. پسری پیراهنی به تن داشت که از مارتین لوتر کینگ در آن نقل قول شده بود: «بی‌عدالتی در هر کجا که باشد، تهدیدی برای عدالت در جاهای دیگر است.» در یک قسمت از چوک، تعدادی از دختران و پسران بیرق بزرگ سررنگ افغانستان را بر سرشان چتر ساخته بودند. بیرق افغانستان بالای آن جوانان سایه افکنده و پناهی شده بود در مقابل آفتاب سوزان آن چاشت کابل. جوانان دیگر با رنگ‌های بیرق افغانستان صورت و تن‌هاشان را رنگ کرده بودند و شوری داشتند شبیه طرفدارن تیم فوتبالی که از حریف سه گول پیش باشد.

بعد از انفجار، چوک دهمزنگ آینه‌ای شد که در آن وحشت و سلاخی که سال‌هاست در گوشه و کنار افغانستان جریان دارد، به سطح آمد. در افغانستان بعد از ۲۰۰۱، پدیده‌ی «قتل عام»، با مرور زمان عام شده است. سرعت و تعداد فاجعه‌ها به حدی هستند که مجال حساب و ماتم را از مردم ما گرفته‌اند. از بمباران مراسم عروسی در دهرآود ارزگان در سال ۲۰۰۲ آغاز می‌کنیم. و در موارد برجسته‌ی دیگر، انفجار در فابریکه‌ی قند بغلان در سال ۲۰۰۷، حمله‌ی انتحاری در غرب شهر قندهار در سال ۲۰۰۸، بمباران چندین خانه در قریه‌ی عزیزآباد شیندند در ۲۰۰۸، انفجار شفاخانه‌ی ولسوالی ازره‌ی

عسکری منظم و استوار تفنگ‌اش را به هم‌ردیفش داد و از صف دوم به قطار اول آمد. سرباز دیگری در قطار اول زانو زده و تفنگ‌اش را به طرف معترضان نشانه گرفته بود. عسکر پولیس، در مقابل سربازی که تفنگش را به سوی اعتراض‌کنندگان نشانه گرفته بود قرار گرفت، هر دو دست خود را به شکل متقاطع به روی سینه گذاشت تا رسم احترام ادا کرده و فرصتی ایجاد کند تا جوانان خشمگین و معترض آرام شوند. با آن حرکت سنجیده و خونسرد، عسکر فضایی را شکستاند که دوام‌اش ممکن بود با شلیک عسکر همراه‌اش بر سینه‌ی معترضان و شروع یک فاجعه‌ی بزرگ‌تر باشد. ظرافت عمل این عسکر، در دهمزنگی که دقایقی قبل، ده‌ها وطندار سلاخی شده بودند، اعتماد به زنده‌ماندن را دوباره ایجاد کرد. و خشمی را که در جوانان زنده‌مانده از انفجار ۲ اسد ۱۳۹۵ میدان دهمزنگ، فوران می‌زد فروکش داد. جوانی از همه نترس‌تر، شتافته به سوی سربازی که انگشت بر ماشه نهاده بود، با سینه‌ی باز داد می‌زد: «بزن \*\*\*\*\*» تا حال کجا بودین که حالا امنیت می‌گیرین». پیراهنی ساده به رنگ سرخ و پتلونی به تن داشت. سوغوار بود، در خشم می‌جوید و گویی اصلاً چیزی به نام ترس نمی‌شناخت. بعد از آن که با ادای احترام عسکر پولیس مواجه شد، سکوت کرد ولی استوار به جای خود ایستاد، تو گویی ناگهان منجمد شد.

آن جوان به سیاستمداران دشنام می‌فرستاد. به چهره‌های سیاسی که در تظاهرات قبلی اشتراک کرده بودند و برای خود «امنیت» گرفته بودند یا برای شان «امنیت» گرفته شده بود. این بار که نیامده بودند، چندان کمربند و تلاشی امنیتی هم نبود. ما چند دوستی که در آن کشتارگاه خود را رسانده بودیم، داد می‌زدیم هر آن‌که در چوک زنده مانده، باید به درمان زخمی‌ها بشتابند. باید به شفاخانه‌ها بروند و خون بدهند اما صدای ما جایی را نمی‌گرفت. تا آن‌که آن عسکر، فضای اختناق و غضب را شکستاند.

در این شب و روزهای تاریک افغانستان که جنگ و وحشت هم در روستاها و هم در مکان‌های عمومی شهر به عنوان محلات تمثیل و تمرین آزادی‌های ما بیش‌تر

سیاست خارجی ایران نیز در پی قباحت‌زدایی از طالبان هستند. فداحسین مالکی، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس که سفیر پیشین ایران در افغانستان (۱۳۸۹-۱۳۹۱) نیز بود، به خبرگزاری مدارا گفته است که «حمله تروریستی به دیپلمات‌ها و نیروهای ما در مزار شریف توسط هیچ کدام از نیروی‌های افغانستانی صورت نگرفته و کار بیگانگان و سرویس‌های امنیتی یکی از کشورهای همسایه بوده است.» چنین موضع‌گیری‌ها در روز اخیر توسط افراد حکومتی ایران در حال افزایش است و به نحو شاهد تغییر دیدگاه سیاست‌گذارانی ایرانی در مورد طالبان هستیم.

### چرایی خوش‌بینی؟

اما سوال این است که چرا ایران به روی کارآمدن طالبان خوش‌بین است؟ به‌نظر می‌رسد که ایران از رفتار سیاست خارجی حکومت فعلی افغانستان ناراض است و سیاست‌های حکومت فعلی افغانستان به شکل منافع ملی ایران را تهدید می‌کند. افغانستان از ۲۰۰۱ بدین‌سو از هم‌پیمانان نزدیک ایالات متحده و عربستان سعودی بوده است. حتا اشراف غنی و دستگاه سیاست خارجی افغانستان در جنگ یمن از نیروهای عربستان سعودی حمایت کردند و این مسأله سبب شد تا روابط افغانستان و ایران وخیم شود. از سوی دیگر ایران از سیاست‌های آبی افغانستان خشنود نیست. در حال حاضر ایران با بحران آب روبه‌رو است و مقامات ایرانی چند بار این موضوع را ابراز کرده‌اند. به‌طور مثال کابرن ایرانی در شبکه‌های چنین نگاشته‌اند. امیر سیدین، عضو فدارسیون بین‌المللی خبرنگاران در توییت نوشته است که «کسی که به روی همسایه‌ی نجیب و مهمان‌نوازش آب را ببندد، روز تجاوز طالب‌ها تنها می‌ماند آقای اشراف غنی.» در

### ایران و طالبان؛

## تهدیدی که دست‌کم گرفته شده است



### تطهیر و قباحت‌زدایی

و به‌نحوی آمادگی برای روی کارآمدن این گروه می‌گیرند. چندین قبل روزنامه کیهان از روزنامه‌های اصولگرا و نزدیک به بیت رهبری در یادداشتی نوشته است «با طالبانی که می‌شناختیم و مثلاً سر می‌برید، تفاوت‌هایی کرده است.» در ادامه این یادداشت آمده است «در پیشرو‌های اخیر این گروه در افغانستان خبری از جنایت‌های هولناک، شبیه جنایات داعش در عراق نیست و طالبان حتا اعلام کرده که با شیعیان این کشور هم کاری ندارد.» روزنامه کیهان پس از چند روز دوباره در یادداشت نوشت که

ایران به‌صورت جدی و با دقت تمام تحولات افغانستان را زیر نظر دارد. با شدت گرفتن جنگ در افغانستان، ایران تلاش دارد تا نقش بیشتری در تحولات افغانستان به‌ویژه پس از خروج نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری ایالات متحده بازی کند. در همین راستا مقامات ایران چندین بار به‌صورت مستقیم با طالبان و مقامات افغانستان دیدار و گفت‌وگو کرده‌اند. در اواخر روزنامه‌ها و همچنان کاربران ایرانی در شبکه‌های اجتماعی تلاش در تطهیر این گروه دارند

### علی‌سجاد مولایی

از آغاز گفت‌وگوهای صلح افغانستان، ایران به‌صورت مداوم با طالبان در ارتباط بوده است و در مورد مسائل مختلف از جمله آینده‌ی افغانستان و پیدا راه حل برای بحران کنونی افغانستان با هم صحبت کرده‌اند. جواد ظریف، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران باری در مصاحبه با یک کانال هندی گفته بود که «آینده‌ی افغانستان بدون حضور طالبان ناممکن است.» ظریف در مصاحبه دیگری که با طلوع نیوز سال گذشته انجام داد طالبان را بخش از راه حل کنونی بحران افغانستان خواند.

طالبان تغییر نکرده‌اند و همان طالبان دهه ۹۰ است. روزنامه‌ی جوان نیز تیت زده بود که «طالبان، اصلاح شده‌ایم» استدلال نویسنده این است که طالبان به عقلا نیت سیاسی رسیده‌اند و این‌بار اشتباهات گذشته را تکرار نخواهند کرد. به‌نظر می‌رسد که ایران در مورد تغییر طالبان دچار محاسبه اشتباه شده‌اند و تهدید طالبان را جدی نگرفته‌اند. آنچه مایه‌ی دلگرمی مقامات و سیاست‌گذاران ایران شده است، وعده‌های سران طالبان به ایران است. قدرت‌گرفتن طالبان در افغانستان برای ایران مفید تمام نخواهد شد و به ضرر این کشور است. طالبان از لحاظ ایدئولوژیک با ایران مشکل دارند و همان گروهی هستند که ده دهه قبل دیپلمات‌های ایرانی را کشته بودند. جالب این‌که هیأت طالبان در تهران این موضوع را رد کردند. سهیل شاهین در پاسخ به سوال یکی از خبرنگاران گفت که دیپلمات‌های ایرانی قبل از رسیدن طالبان به شهر مزار شریف کشته شده بودند. البته بعضی از افراد برجسته‌ی دستگاه

ترجمه

## چگونه از فاجعه در افغانستان جلوگیری کنیم؟

کرد، در میدان می‌جنگیدند و حتی کشته می‌شدند. از سال ۲۰۰۱ ده‌ها هزار نیروی افغانستان این کار را که حد اعلای فداکاری است انجام داده‌اند. پایان ناگهانی این پشتیبانی، ضمن تشجیع طالبان، روحیه بسیاری از نیروهای افغانستان را پایین آورده است.

ایالات متحده با استقرار منابع و ظرفیت پشتیبانی هوایی خود در افغانستان باید به نیروهای افغانستان در دفاع از کابل و مراکز ولایات و همچنین در حمله به نیروهای طالبان - که غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهند یا تلاش می‌کنند از مهمات تازه به دست آمده خود برای حمله به مراکز پرجمعیت استفاده کنند - کمک کند.

برخی شاید با استناد به توافق‌نامه فروری ۲۰۲۰ طالبان و ایالات متحده مخالف این اقدام استدلال کنند. اما می‌دانیم که طالبان با ادامه همکاری نزدیک خود با القاعده و افزایش کشتار غیرنظامیان افغانستان هرگز به این توافق‌نامه احترام نگذاشتند. چرا ایالات متحده باید به توافقی پایند بماند که طرف مقابلش آن را از قبل زیر پا کرده است؟

به‌عنوان گام دوم، ایالات متحده و متحدانش باید اطمینان حاصل کنند که قوای هوایی افغانستان از پشتیبانی لجستیکی و همکاری جامع پیمان‌کاران مستقر در افغانستان برخوردار باشد. قوای هوایی افغانستان حکومت را در برابر دشمنی که تاکتیک اصلی‌اش کشتار غیرنظامیان است، از مزیت بزرگ برخوردار می‌کند. ظرفیت پشتیبانی هوایی نزدیک، تأمین هوایی و تخلیه هوایی قوای هوایی افغانستان تنها با هواپیماهای بال ثابت و بال متحرک - که خوب حفظ و مراقبت شود - امکان‌پذیر است.

به‌عنوان گام سوم، ایالات متحده و شرکایش باید به صورت گسترده در زمینه اطلاعاتی، نظارتی و اکتشافی با نیروهای امنیتی افغانستان همکاری کنند. جنگ‌جویان طالبان با حمله به مناطق متعدد و مجبور کردن نیروهای افغانستان به «دفاع از همه جا» تلاش می‌کنند ارتش افغانستان را پراکنده کنند. ارائه اطلاعات درباره مواضع و هماهنگی‌های طالبان برای حمله به یک منطقه، می‌تواند به نیروهای افغانستان کمک کند تا نیروی کافی را علیه دشمن مستقر کنند.

و در نهایت، واشنگتن باید از اقداماتی که موجب تقویت طالبان و تضعیف حکومت افغانستان و نیروهای امنیتی این کشور می‌شود دست بردارد. برای مثال، حکومت افغانستان در پاسخ به فشارهای واشنگتن مجبور شد ۵ هزار زندانی طالب را طبق توافق‌نامه فروری ۲۰۲۰ و واشنگتن و طالبان آزاد کند. تعداد زیادی در میان این ۵ هزار نفر عضو گروه القاعده بودند.

آزاد کردن زندانیان بیشتر، طالبان و القاعده را از نیروی انسانی بیشتری برخوردار می‌کند. لازم به یادآوری است که در سال ۲۰۱۱ این تروریست‌های القاعده در عراق بودند که به تأسیس دولت اسلامی (داعش) کمک کردند. و پس از آنکه دولت اسلامی قلمروی به اندازه بریتانیا برای خود دست و پا کرد، نیروهای ایالات متحده و متحدانش برای جلوگیری از فاجعه انسانی، بازپس‌گیری مناطق و اطمینان از شکست همیشگی آنچه که به

هربرت ریمنود مک‌ماستر و بردلی بومن، وال استریت جورنال  
مترجم: جلیل پژواک

اوضاع در افغانستان به سرعت رو به وخامت می‌رود. با آغاز روند خروج نیروهای امریکایی و شرکای بین‌المللی واشنگتن از افغانستان طی چند ماه گذشته، قلمرو تحت کنترل طالبان تقریباً سه‌برابر شده است. اگر ایالات متحده و متحدانش فوراً اقدام نکنند، جهان شاهد یک فاجعه خواهد بود.

برپایه گزارش تحلیل‌گران بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، طالبان و متحدان این گروه طی دو ماه گذشته بیش از ۱۴۵ ولسوالی را تحت کنترل خود درآورده‌اند. نیمی از مراکز ولایات افغانستان زیر تهدید طالبان است. حملات طالبان در شمال افغانستان به‌ویژه از این جهت مهم است که این تهاجم برای برچیدن پایگاه قدرت حکومت افغانستان و جلوگیری از شکل‌گیری مجدد «اتحادشمال» ضد طالبان طراحی شده است. مسأله روشن است: طالبان قصد دارند حکومت را در کابل محاصره و سرنگون کنند.

یک اولویت امریکا باید جلوگیری از سقوط حکومت افغانستان باشد تا میاد شرکای طالبان از جمله القاعده و سایر تروریست‌های جهانی دوباره در این کشور برای برنامه‌ریزی و راه‌اندازی حمله علیه ایالات متحده، متحدان امریکا و سایر مردمانی که تفسیر منحرف این گروه‌ها از اسلام را نمی‌پذیرند، پا بگیرند. برعلاوه، هدف امریکا باید محدود کردن فاجعه انسانی و اطمینان از حفظ دستاوردهای ۲۰ ساله مردم افغانستان، به‌ویژه دستاوردهای زنان و دختران این کشور باشد.

کوتاهی در کمک به افغان‌هایی که نفرت و خشونت طالبانی را رد می‌کنند، به بحران مهاجرت غیرقابل کنترل و در نتیجه بی‌ثباتی همسایه مجرّب به سلاح هسته‌ای افغانستان منجر خواهد شد. مهاجران افغانستان به آن سوی آسیای مرکزی و جنوبی، تا اروپا و فراتر از آن آواره خواهند شد.

هدف از اشاره در اینجا به اوضاع وخیم افغانستان و تهدیدی که از این ناحیه متوجه منافع امریکاست، این نیست که از رییس‌جمهور جو بایدن بخواهیم از تصمیم ۱۴ اپریل خود مبنی بر خروج کامل نیروهای امریکایی از افغانستان بازگرد. اما وضعیت امروز افغانستان از نادرست‌بودن و غیرواقف‌بینانه‌بودن پیش‌فرض‌هایی که تصمیم بایدن بر آن‌ها استوار بود، پرده برداشته است. واقعیت امروز از ایالات متحده می‌طلبد که مجموعه جدیدی از اقدامات و تدابیر را برای تأمین امنیت و محافظت از منافع خود روی دست گیرد.

ایالات متحده به‌عنوان اولین قدم باید ظرفیت و منابع پشتیبانی هوایی مستقیم خود را در افغانستان مستقر کند و این مسأله را واضح کند که امریکا برای نیروهای افغانستان پشتیبانی هوایی فراهم می‌کند. امریکا با پایان‌دادن به پشتیبانی هوایی خود از نیروهای افغانستان، روحیه شرکای ما را - که از قبل هم بار سنگین نبرد را بر دوش می‌کشیدند - پایین آورده و طالبان را قادر ساخته به پیروزی‌های بی‌پیشینه دست یابند. بسیاری از سربازان افغان با این فرض که در صورت لزوم پشتیبانی هوایی دریافت خواهند

انتخاب کنیم و از خود بیرسیم؛ در سر و دست برای غرس کردن چه داریم؟ باغ و قبرستان، پرورده و ساخته‌ی ذهن و دست انسان است اما بدیختانه در افغانستان دیروز و امروز، ناخودآگاه یا آگاهانه، بازار قبرستان‌سازی گرم بوده است. با این حال، این امکان و زمینه‌کماکان از دست نرفته است که در ذهن خود، در زمان خود و مکان خود، انتخاب‌هایی کنیم که از وسعت قبرستان‌ها بکاهد و بر دامن باغستان‌ها بیفزاید. در خاطر و خاطره‌ی این قلم، آن روز که بیری افغانستان اول پناه بود و سپس به کفن‌های باعزت برای پاره‌های تن مردم تبدیل شد، ماندگار است. از آن صحنه که عسکری به سینه‌ی بی‌سپر آن جوان نشانه رفته بود، و عسکری که سپر هموطن‌اش شد، نمی‌توان بی‌اعتنا گذشت. آن چه در ۲ اسد سال ۱۳۹۵ در دهمزنگ اتفاق افتاد، بسیاری‌ها را به این واداشت که بپذیریم قوت سلاخی تاریکی ویرانگر است و توانایی محافظت از مردم در فضای عمومی افغانستان هنوز قابل اتکا نیست. ماه‌ها بعد، «افغانستان ۱۴۰۰» در بای کابل را با بیش از ۲۰۰ کیلو رنگ بی‌ضرر سرخ کرد، خواهان متوقف‌شدن سیلاب جاری خون در وطن شد و پیام داد که «زخم‌های این وطن را ختم جنگ، آغاز درمان است». و به رسم ارج‌گذاری به یاد تلفات ملکی، سال بعد در ۲۶ ولایت کشور نهال و گل کاشت.

حتا زمانی که نابسامانی‌ها و خونریزی‌ها، یأس پخش می‌کند، نجات‌دادن زندگی و جلوگیری از وقوع فاجعه‌های بیشتر ممکن است. آن عسکر منظم در ۲ اسد ۱۳۹۵ که جان‌ها را نجات داد و از فاجعه‌ی بزرگ‌تر جلوگیری کرد، انتخاب داشت و انتخاب زندگی‌محور کرد. همه‌ی ما انتخاب داریم. حق انتخاب حق ذاتی هر انسان است. و از آن هم ذاتی‌تر، حق زندگی است. ذهن و دست و گام‌ها را برای انتخاب زندگی و انتخاب نوع و سبک زندگی فعال کنیم. همه‌ی وطن‌داران، به شمول طالب، باید از خود سوال کنیم که انتخاب‌های ما، راه‌های ما، گورستان‌ها را بیشتر می‌کند یا با روگردانی از گورستان‌ها، باغستان خلق می‌کنیم. به یاد هر انسان از دست رفته در جنگ و تروریسم و هر چیز ارزشمندی که جنگ و تروریسم از افغانستان گرفته، نهال و گل بکاریم. باغستان‌هایی از آزادی‌های مدنی افغانستان بعد از ۲۰۰۱ بی‌بروریم، برای همه.

### تحلیل

مخدر و ناامنی قرار داد. با این وصف منطقی بازی ایران با طالبان چیست؟ در پاسخ به این سوال چند قطعه را باید کنار هم قرار داد. ایران بقای خودش را در مقابل و تعارض با ایالات متحده تعریف کرده و عملاً در منطقه علیه ایالات متحده در جنگ است. در این چنین وضعیتی طالبان می‌تواند گزینه‌ی خوبی برای ایران باشد تا به ایالات متحده ضربه بزند. در مقابل طالبان نیز به پول و مهمات نیاز دارند تا جنگ خود را ادامه بدهند. در این چنین وضعیت آنچه باعث نزدیکی ایران و طالبان می‌شود نیاز متقابل است. از منظر واقع‌گرایی ایران برای دفاع از خودش در مقابل خود را مجاز می‌داند که از طالبان نیرو که علیه دشمن آن‌ها در افغانستان می‌جنگد حمایت کند. چون دشمن دشمن، دوست است. اما این بازی خطرناک است چون طالبان ممکن یک مخالف ایدئولوژیک دیگر در منطقه برای ایران مبدل شوند. ایران در حال حاضر به‌لحاظ ایدئولوژیک با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر اختلاف دارد و شکل‌گیری یک دولت افراطی دیگر در مرزهای شرقی این کشور می‌تواند به مشکل‌های این کشور بیفزاید. برعلاوه، قدرت‌گیری طالبان سبب می‌شود تا بنیادگرایی در ایران سرایت کند و مناطق شرقی این کشور مستعد این امر هستند.

سقوط دولت مرکزی فعلی به هیچ وجه به نفع ایران نیست. و اعتماد کردن به طالبان می‌تواند تبعات سنگین برای ایران داشته باشد.

### نیم‌نگاهی ایران به آینده

ایران نیم‌نگاهی به آینده افغانستان دارد و به همین اساس با طالبان وارد مذاکره شده و می‌خواهد نفوذش بر این گروه را بیشتر کند تا در آینده اگر سناریو روی کار آمدن طالبان به حقیقت بپیوندد آن‌ها غافل گیر نشوند.



”

بعد از انفجار، چوک دهمزنگ آیین‌های شد که در آن وحشت و سلاخی که سال‌هاست در گوشه و کنار افغانستان جریان دارد، به سطح آمد. در افغانستان بعد از ۲۰۰۱، پدیده‌ی «قتل عام»، با مرور زمان عام شده است. سرعت و تعداد فاجعه‌ها به حدی هستند که مجال حساب و ماتم را از مردم ما گرفته‌اند.

”

ده‌ها هزار انسان توسط جنگ و تروریسم در افغانستان فاجعه است اما هنوز هم، در کنار این رخ تاریک و سیاه و مسموم، پهنه‌ی روشن و نورانی کماکان جان دارد و به کل از نفس نیفتاده است. تلاطم و تحولات سال‌های پس از ۲۰۰۱ در افغانستان، هر آن چه در این خاک از دیرباز مانده و انباشت شده بود را قلبه کرده است. این کشتار قلبه‌شده و آماده‌ی رویش و سبزینگی، بذر و نهال می‌خواهد. برماست که



مخرب‌ترین سازمان تروریستی تاریخ تبدیل شده بود، در عراق و سوریه مستقر شدند.

اقدامات فوق‌الذکر شاید برای متوقف‌کردن تهاجم وحشیانه طالبان ناکافی باشد. اما بدون این اقدامات، آنچه احتمالاً رخ خواهد داد فروپاشی در افغانستان است. امری که دشمنان همه‌ی مردم متمدن جهان را تشجیع کرده و باعث مداخله‌ای به مراتب پرهزینه‌تر در آینده خواهد شد.

آقای مک‌ماستر دگر جنرال بازنشسته ارتش ایالات متحده است. او از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ مشاور امنیت ملی کاخ سفید بود. آقای مک‌ماستر عضو ارشد مؤسسه هورور و رییس «مرکز قدرت نظامی و سیاسی» بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها است. آقای بومن مدیر ارشد این مرکز است.

”

ایالات متحده به‌عنوان اولین قدم باید ظرفیت و منابع پشتیبانی هوایی مستقیم خود را در افغانستان مستقر کند و این مسأله را واضح کند که امریکا برای نیروهای افغانستان پشتیبانی هوایی فراهم می‌کند.

امریکا با پایان‌دادن به پشتیبانی هوایی خود از نیروهای افغانستان، روحیه شرکای ما را - که از قبل هم بار سنگین نبرد را بر دوش می‌کشیدند - پایین آورده و طالبان را قادر ساخته به پیروزی‌های بی‌پیشینه دست یابند.

”

## در تونس مقررات منع رفت و آمد برقرار شد

در کشور ۱۲ میلیون نفری تونس حدود ۱۸ هزار نفر از بیماری کووید-۱۹ جان باخته‌اند. سیستم درمانی کشور به شدت تحت فشار است و صنعت توریسم که برای اقتصاد تونس حیاتی است فلج شده است. تا کنون تنها ۷ درصد جمعیت کشور به طور کامل واکسینه شده‌اند. بیش از ۹۰ درصد تخت‌های آی‌سی‌یو در بیمارستان‌های تونس پر شده است. قدرتمندترین اتحادیه کارگری تونس که در قیام ۲۰۱۱ تونس و آغاز بهار عربی نقشی کلیدی داشت گفته است که اقدام رییس جمهوری در تطابق با قانون اساسی و برای ممانعت از خطر و بازگرداندن کشور به وضعیت کارآمد و عادی صورت گرفته است. روز دوشنبه صدها گروه های رقیب در مقابل ساختمان پارلمان بطری و سنگ به روی یکدیگر پرتاب می‌کردند، اما شمار این افراد زیاد نبود و درگیری در همین حد باقی ماند. ارتش ساختمان پارلمان و کاخ دولت را محاصره کرده و به نمایندگان پارلمان اجازه ورود به ساختمان را نداد. راشد الغنوشی، رییس پارلمان در بیانیه‌ای این اقدامات را با هدف «تغییر ماهیت حکومت سیاسی در تونس و تبدیل آن از یک حکومت دموکراتیک پارلمانی به یک رژیم ریاست‌جمهوری، فردی و اقتدارگرا» دانست. رییس جمهوری از حدود یک سال پیش با نخست‌وزیر اختلاف سیاسی دارد و شش ماه است که اختلاف بین راشد الغنوشی و قیس سعید دولت را فلج کرده و اوضاع کشور را به هم ریخته است.

نیست یکشنبه شب با استفاده از قدرتی که قانون اساسی در موارد اضطراری به او داده نخست‌وزیر را برکنار کرد. ساعاتی بعد وزیران دفاع و دادگستری برکنار شدند و پارلمان برای ۳۰ روز به حالت تعلیق درآمد. قیس سعید گفته است هرگونه مخالفت خشونت‌آمیز با جدیت پاسخ داده خواهد شد. احزاب اپوزیسیون کشور، از جمله اسلامگرایان، اقدام قیس سعید را محکوم و آن را کودتا توصیف کرده‌اند. سعید این اتهامات را رد می‌کند. بسیاری از مردم تونس نیز یکشنبه شب در حمایت از تصمیم سعید به خیابان آمدند. جامعه بین‌الملل محتاطانه وقایع را دنبال کرده اما از به کار بردن واژه کودتا برای توصیف وقایع اخیر خودداری کرده است. آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا در گفت‌وگویی تلفنی با قیس سعید او را به پایبندی به اصول دموکراسی و حقوق بشر تشویق کرد. بلینکن همچنین از رییس جمهوری تونس خواست تا عرصه گفت‌وگو با تمامی بازیگران سیاسی و مردم تونس را باز بگذارد. سوء مدیریت در جریان پاندمی کرونا، نبود فرصت به ویژه برای جوانان و مشکلات اقتصادی از جمله مسائلی است که تونس با آن روبرو است. پاندمی کرونا به ویژه مردم را از پارلمان ناراضی کرده به طوری که با وجود گرمای تابستان و محدودیت‌های دوران کرونا به دنبال اعلام تصمیم قیس سعید در چندین شهر تونس مردم در حمایت از او به خیابان آمدند و خواهان انحلال پارلمان شدند.

که دلیل اضطراری پزشکی وجود داشته باشد ممنوع کرده است. هشام مشیسی، نخست‌وزیر در اولین اظهار نظر پس از برکناری، دوشنبه شب گفت که قدرت را به فرد منصوب رییس جمهوری واگذار می‌کند. مشیسی در یک بیانیه فیسبوکی گفت: «به منظور حفظ امنیت تمام مردم تونس، اعلام می‌کنم که من مانند همیشه، در کنار مردم هستم و هیچ شغل یا مسئولیتی در کشور نخواهم داشت.» قیس سعید که مستقل است و نماینده حزبی در قدرت

اطلاعات روز: قیس سعید، رییس جمهوری تونس به دنبال برکناری نخست‌وزیر مقررات سختگیرانه‌تری در کشور برقرار کرد. به گزارش رادیو زمانه، بر اساس این مقررات که دیر وقت دوشنبه ۲۶ ژوئیه اعلام شد، از ساعت ۷ شب تا شش بامداد مقررات منع رفت‌وآمد در سراسر کشور برقرار است. همچنین اجتماع بیش از سه نفر در اماکن عمومی تونس ممنوع شده است. رییس جمهوری تونس همچنین سفرهای بین شهرها در ساعت خارج از منع مقررات رفت‌وآمد را به جز در مواردی



## برقراری دوباره خط تلفنی اضطراری بین کره شمالی و جنوبی



با عمیق‌تر شدن تنش میان جنوب و شمال، گروهی از کسانی که از کره شمالی فرار کرده بودند، با کمک بالون، شبنامه‌هایی را به داخل خاک کره شمالی فرستادند. گزارش شده بود که گاهی همراه شبنامه، وسایلی هم با این روش فرستاده می‌شود که مردم به برداشتن کاغذها هم ترغیب شوند. ارسال این شبنامه‌ها بر ضد توافق‌های رهبران دو کشور در سال ۲۰۱۸ بود. به دنبال ارسال این شبنامه‌ها، کره شمالی تمام ارتباطات نظامی و سیاسی ارتباطاتی، از جمله یک خط تلفنی بین رهبران دو کشور را قطع کرد. بعد از پایان جنگ دو کره در ۱۹۵۳، هیچ پیمان صلحی بین دو کشور بسته نشد و به همین دلیل دو کشور همچنان در حال جنگ هستند.

منظور برقراری ارتباط بیشتر بین دو کشور در شهر کایسانگ در کره شمالی ساخته شده بود. خبرگزاری فرانسه به نقل از خبرگزاری رسمی کره شمالی نوشت «طبق توافق انجام شده بین رهبران ارشد کره شمالی و جنوبی، از ساعت ۱۰ روز ۲۷ جولای تدابیری برای بهره‌برداری مجدد از همه خطوط ارتباطی بین دو کشور انجام شده است.» بر اساس این گزارش هر دو رهبر همچنین توافق کردند که اعتماد متقابل دو کره را در اسرع وقت برقرار کنند و رابطه را به پیش ببرند. روابط در سال ۲۰۱۸ پس از آن بهبود یافت که کیم جونگ اون رهبر کره شمالی و مون جه-این رییس جمهوری کره جنوبی سه دیدار با یکدیگر برگزار کردند. این روند اما به دنبال لغو دیدار رهبر کره شمالی و رییس جمهوری آمریکا قطع شد.

اطلاعات روز: کره شمالی و کره جنوبی خط تلفنی برای ارتباط اضطراری را که در ژوئن گذشته از سوی پیونگ یانگ قطع شده بود، مجدداً برقرار کردند. به نقل از بی بی سی فارسی، بنابر اعلام دفتر ریاست‌جمهوری در کره جنوبی، رهبران هر دو کشور توافق کرده‌اند که اعتماد را بازسازی و روابط را بهبود بخشند. از ماه آوریل کیم جونگ اون رهبر کره شمالی و مون جه-این رییس جمهوری کره جنوبی چند نامه شخصی رد و بدل کرده‌اند. کره شمالی در سال ۲۰۲۰ خط تلفن مستقیم به کره جنوبی را قطع کرد. این اقدام پس از تشنج در روابط دو کشور رخ داد. اندکی پس از آن، کره شمالی یک دفتر ارتباط دو کشور را در نزدیکی مرز منفجر کرد. این دفتر به

## دوبرابر شدن مرگ پناهجویان در مسیر دریایی؛ «دولت‌های اروپایی در عملیات نجات کم‌کاری می‌کنند»

این آمار را گردآوری کرده است. بر همین اساس سازمان بین‌المللی مهاجرت از کشورها خواسته با افزایش تجهیزات، اقداماتی فوری برای کاهش مرگ و میر در مسیرهای دریایی به اروپا انجام دهند. در سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا گشت‌های دریایی برای نجات مهاجران در دریای مدیترانه را تعلیق کرد. این تصمیم در پی آن گرفته شد که دولت‌های اروپایی دچار اختلاف نظر شدند، بر سر اینکه عملیات نجات مهاجران احتمالاً باعث ترغیب افراد به تن دادن به خطر این سفر دریایی، و در نتیجه افزایش قاچاق انسان می‌شود. در عین حال بنابر مطالعه اخیر پروژه مهاجران ناپدید شده سازمان بین‌المللی مهاجرت، در حالی که افراد بیشتری قصد عبور از این مسیر را دارند، بسیاری دیگر به کشورهایمانند لیبی که اغلب با زورگیری، بازداشت و شکنجه روبرو هستند، برگردانده می‌شوند. بنابر آمار، بیش از ۱۵۳۰۰ نفر در شش ماه اول سال

این آمار را گردآوری کرده است. بر همین اساس سازمان بین‌المللی مهاجرت از کشورها خواسته با افزایش تجهیزات، اقداماتی فوری برای کاهش مرگ و میر در مسیرهای دریایی به اروپا انجام دهند. در سال ۲۰۱۹ اتحادیه اروپا گشت‌های دریایی برای نجات مهاجران در دریای مدیترانه را تعلیق کرد. این تصمیم در پی آن گرفته شد که دولت‌های اروپایی دچار اختلاف نظر شدند، بر سر اینکه عملیات نجات مهاجران احتمالاً باعث ترغیب افراد به تن دادن به خطر این سفر دریایی، و در نتیجه افزایش قاچاق انسان می‌شود. در عین حال بنابر مطالعه اخیر پروژه مهاجران ناپدید شده سازمان بین‌المللی مهاجرت، در حالی که افراد بیشتری قصد عبور از این مسیر را دارند، بسیاری دیگر به کشورهایمانند لیبی که اغلب با زورگیری، بازداشت و شکنجه روبرو هستند، برگردانده می‌شوند. بنابر آمار، بیش از ۱۵۳۰۰ نفر در شش ماه اول سال



اطلاعات روز: تحقیقات سازمان بین‌المللی مهاجرت نشان می‌دهد آمار مرگ پناهجویانی که تلاش می‌کنند از مسیر دریای مدیترانه خود را از آفریقا به اروپا برسانند در مقایسه با سال گذشته دو برابر شده است. در این گزارش، دولت‌های اتحادیه اروپا به دلیل کم‌کاری در نجات پناهجویان مقصر شناخته شده‌اند. به گزارش بی بی سی فارسی، بنابر تحقیقات سازمان بین‌المللی مهاجرت، افزایش تلفات پناهجویان عمدتاً به دلیل ناکافی بودن عملیات جستجو و نجات از سوی کشورهای اروپایی است. این مهاجران عمدتاً در مسیر خود از دریای مدیترانه به سوی آفریقا حرکت می‌کنند. بنابر این گزارش تنها در شش ماه نخست امسال دستکم ۱۱۴۶ نفر جان خود را از دست داده‌اند. در نیمه اول سال گذشته میلادی ۵۱۳ مهاجر در این مسیر جان خود را از دست داده بودند. پروژه مهاجران ناپدید شده در سازمان بین‌المللی مهاجرت

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر چاپی: خادم حسین کریمی ۰۷۸۵۴۲۸۵۴۰

سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش

گزارش‌گران و خبرنگاران: ابوذر ملک‌نژاد، جلیل رونق، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس،

واجد روحانی و فریضه عالمی

بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز

مترجم: جلیل پژواک

ویراستار: شیر مهریار

صفحه آرا: محمدرضا مظفری

ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com

توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲

شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷

آدرس: کابل، کارته‌سه

## سکینه امیری

ترس و کابوس، خواب را از او گرفته است. ترس از این که جنگ شدت بگیرد و زنان و دختران راه فراری حتا به شهرها نداشته باشند. اسیر شوند و مجبور به ازدواج.

با شدت گرفتن جنگ و خروج نیروهای خارجی از کشور، او نتوانسته است آرام بخوابد. می‌گوید که در جنگ هر اتفاقی ممکن است بیفتد و بدتر از همه قربانی اصلی هر جنگی زنان و دختران‌اند: «مردم می‌گویند طالبان از افرادی که سه دختر جوان در خانه دارند، یکی را برای عقد با مجاهدین‌شان خواسته‌اند.»

زهرا (اسم مستعار) باشنده‌ی ولایت بامیان است و مادر شش دختر. با گسترش دامنه‌ی جنگ به ولایت‌های امن ترس و اضطراب او نیز بیشتر شده است. زندگی با ترس و کابوس، زهرا را حتا به مرگ دخترانش نیز راضی کرده است: «خداوند مرگ نام‌نیک بدهد، اما روزی را نشان ندهد که دخترانم به دست طالب یا به دست دغلی بیفتد.»

بزرگ‌ترین فرزند دخترش ۲۰ سال سن دارد و دانشجوی است. مادر با دل‌نگرانی تصمیم دارد تا در صورت بدتر شدن اوضاع، دخترانش را در بین خویشاوندان نزدیکش تقسیم کند. او می‌گوید که از روی اجبار این کار را خواهد کرد: «نه خوردن را می‌فهمم نه خوابیدن را. در وضعی قرار دارم که حاضرم دخترانم را به هر که خواست، به شوهر دهم. اگر اوضاع بدتر شد، دخترانم را به خانه‌های اقوام ما که دختر ندارند و یا کمتر دختر دارند، می‌فرستم.»

درحالی که زهرا با این ترس دست به گریبان است و دلخون دخترانش، مادری دیگری خیالش را با عروس کردن دخترش راحت کرده است. سلما نورانی (اسم مستعار) باشنده‌ی ولسوالی بلخ ولایت بلخ در شمال کشور، با بلند شدن آوازه‌ی جهادالنکاح، دختر جوان و تحصیل‌کرده‌اش را به عقد مردی بی‌سواد از اقوامش درآورده است. او از وادار کردن دخترش به ازدواج پیشمان نیست و می‌گوید: «دخترم را با عزت به فردی غیر از افراد طالبان داده‌ام.»

## تنها جنگ

از اول ماه می، همزمان با آغاز رسمی خروج نیروهای خارجی از افغانستان، جنگ نیز میان نیروهای امنیتی و دفاعی و طالبان در سراسر افغانستان شدت گرفته است. طالبان در این مدت توانسته‌اند شمار زیادی از ولایت‌ها را در کشور ناامن بسازند و کنترل حدود ۲۰۰ ولسوالی را به‌دست بگیرند.

چنانچه طالبان طی ماه گذشته توانستند بخش عمده ولایت شمال‌شرقی تخار را تصرف کنند. این گروه تقریباً تمام ۱۶ ولسوالی تخار را تصرف کرده و به پشت دروازه‌های مرکز تالقان رسیده است.

همین طور با پیش‌روی طالبان به ولایت‌های

## ازدواج اجباری برای فرار از جهادالنکاح



شماری از زنان آواره‌ی جنگ در ولایت هرات

مهاجرین به روزنامه اطلاعات روز گفت: «جنگ و پیامدهای آن افراد زیادی را بی‌خانمان کرده است. مثلاً از تخار، غزنی و... مردم از ترس این‌که دختران‌شان را طالبان به نکاح ببرند، خانه‌های‌شان را ترک کرده‌اند.»

دیانا سربلند می‌گوید: «در اجرستان غزنی، خانواده و دوستان ما از ترس طالب، دختران خردشان را به جبر به شوهر داده‌اند. در آنجا نه مکتبی دخترانه است و نه قصه برای بهبود اوضاع زندگی آنان.»

دیانا می‌گوید که وقتی داعش به ننگرهار آمدند، دختران چند خانواده را با خودشان بردند. اکنون از ترس تکرار آن واقعه‌ی شوم، مردم در مناطق جنگی دختران‌شان را بدون ملاحظه به سن و رضایت، به شوهر می‌دهند. لیلیا (اسم مستعار) باشنده‌ی ولسوالی گذره‌ی ولایت هرات نیز تاکید می‌کند که خانواده‌ها از ترس جنگ و خواست طالبان، دختران‌شان را بدون ملاحظه به شوهر داده و یا این‌که آنان را از مناطق جنگی بیرون کرده‌اند: «در محله‌ی ما دختران را یا به شوهر داده‌اند و یا هم بیرون کرده، در بعضی جاها پیرها مانده‌اند.»

افضل حدید، رییس شورای ولایتی بلخ می‌گوید که طالبان برای خانم‌ها در مناطق تحت کنترل‌شان محدودیت وضع کرده‌اند.

برخی از ولسوالی‌های بلخ در حال حاضر تحت کنترل طالبان است.

آقای حدید همچنین می‌گوید که تا کنون شکایتی از ازدواج اجباری نشده، اما خانواده‌ها از ترس طالبان دختران‌شان را به شوهر داده و یا هم آنان را از مناطق تحت تصرف طالبان بیرون کرده‌اند: «در چنین وضع ازدواج‌های اجباری و زیر سن افزایش می‌یابد.»

رویا دادرس، سخن‌گوی وزارت امور زنان آماری از ازدواج‌های اجباری و زیر سن ارائه نمی‌کند، اما می‌گوید که بدتر شدن اوضاع امنیتی و بلند شدن شایعه‌های جهاد و نکاح زنان را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند. خانم دادرس می‌گوید که در چنین وضعیتی خشونت‌ها، ازدواج‌های اجباری و ازدواج‌های زیر سن به‌ویژه در مناطقی که تحت تصرف طالبان است، افزایش می‌یابد: «ما نگرانیم؛ زیرا منشأ همه خشونت‌های حاد و شدید که تا کنون در برابر زنان صورت گرفته، ازدواج‌های اجباری و زیر سن بوده است.»

این درحالی است که در طی پنج ماه نخست سال روان، ۱۳۷۵ مورد خشونت در برابر زنان تنها در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ثبت شده است که از این میان، ۱۷۰ مورد آن مربوط به ازدواج‌های زیر سن و ۲۱ مورد نیز مربوط به نامزدی اجباری است. همچنین توضیح می‌دهند که این آمار، آمار تمام ازدواج‌های اجباری و زیر سن نیست و بسیاری‌ها به دلیل محدودیت‌ها نتوانسته‌اند قضایای‌شان را ثبت دفترهای ساحوی کمیسیون مستقل حقوق بشر در ولایت‌های ناامن کنند.

هر مسجد سهمیه داده‌اند. آنان از ملاهای مسجد‌ها خواسته‌اند که پنج جنگ‌جو و یا دختر به گروه طالبان بدهند.»

او می‌گوید که جنگ در محله‌ی‌شان جریان دارد.

از سوی هم، چندی پیش اعلامیه‌ای از آدرس طالبان در رسانه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شد که در آن از ساکنان ولایت‌های شمال‌شرقی خواسته شده بود فهرست دختران جوان بالای ۱۵ سال و زنان بیوه‌ی زیر ۴۰ سال را برای‌شان بدهند.

هرچند طالبان به‌گونه‌ی رسمی اعلامیه‌ی منتشرشده را نه تنها که تأیید نکرد، بلکه رد نیز کردند، اما رد کردن جهاد و نکاح به رفع پریشانی عمومی، نه تنها کمکی نکرده است، بل که عملکرد جنگ‌جویان این گروه در بامیان، به شدت نگرانی‌ها افزوده است.

طالبان در مدت کوتاهی که ولسوالی‌های کهمرد و سیغان بامیان را تصرف کردند، از مردم فهرست نام دختران و زنان بیوه نیروهای امنیتی را خواسته بودند.

## ازدواج اجباری بدیل جهاد و نکاح

ترس از بدتر شدن اوضاع امنیتی و جنگ با طالبان سرنوشت هزاران دختر را در افغانستان تغییر داده است. براساس معلومات ارائه‌شده از سوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، در جریان سال جاری ۵۰ هزار و ۹۷۰ خانواده در جریان سال جاری به اثر جنگ بی‌جا شده‌اند. از این میان در ماه جوازی سال روان، ۲۱ هزار خانواده و در ماه سرطان ۱۹ هزار خانواده بی‌جا شده است.

رضا باهر، معاون سخن‌گوی وزارت امور

ترس از بدتر شدن اوضاع امنیتی و جنگ با طالبان سرنوشت هزاران دختر را در افغانستان تغییر داده است. براساس معلومات ارائه‌شده از سوی وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان، در جریان سال جاری ۵۰ هزار و ۹۷۰ خانواده در جریان سال جاری به اثر جنگ بی‌جا شده‌اند. از این میان در ماه جوازی سال روان، ۲۱ هزار خانواده و در ماه سرطان ۱۹ هزار خانواده بی‌جا شده است.

بر این‌ها، طالبان ارائه‌ی خدمات صحی به زنان بدون محرم را نیز منع کرده و از هر خانواده‌ای که بیشتر از یک فرزند پسر دارند، نیز یک جنگ‌جو خواسته‌اند.

## جهادالنکاح

همزمان با اعمال محدودیت‌ها از سوی طالبان، گزارش‌های تأییدشده‌ی زیادی از مناطق تحت کنترل این گروه می‌رسند که طالبان از نکاح اجباری به عنوان حربی‌ی جنگی استفاده کرده‌اند.

با آنکه مسئولان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان می‌گویند که تا کنون، جهاد و نکاح در مناطق تحت کنترل طالبان اتفاق نیفتاده است، اما گزارش‌های منتشر شده و آوازه‌ی جهاد و نکاح، ساکنان مناطق جنگی، به‌ویژه خانواده‌های که فرزندان دختر دارند را واداشته که خانه‌های‌شان را ترک و آورده‌ی مراکز شهرها شوند.

لیلیا (اسم مستعار) باشنده‌ی ولسوالی گذره‌ی ولایت هرات است. او می‌گوید: «طالبان برای

بدخشان، فاریاب، قندوز، هرات، غزنی، غور، بلخ، بامیان و... زندگی در این ولایت‌ها نیز به‌شدت دگرگون شده، محدودیت‌های دوران طالبانی بازگشته و بیم و دلهره گسترش یافته است.

بنا به گفته‌ی ذبیح‌الله فرهنگ، مسوول روابط عامه و نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، طالبان در مناطق تحت تصرف‌شان، با نقض آزادی‌های فردی، برای زنان محدودیت‌های خاصی وضع کرده‌اند: «بررسی‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر نشان می‌دهد که طالبان در تخار، فاریاب، قندوز، و بدخشان مکتب‌های دخترانه و مکتب‌های مختلط را بسته و دختران را از تعلیم و تحصیل منع کرده‌اند. این گروه گفته‌اند که دختران حق آموزش بالاتر از صنف ششم را ندارند.»

سر کردن لنگی، نتراشیدن ریش، ممنوعیت بیرون شدن زنان از خانه بدون محرم و معامله نکردن با زنان بدون محرم از محدودیت‌هایی‌اند که طالبان به تازگی وضع کرده‌اند. افزون



جمهوری اسلامی افغانستان  
اداره ملی تنظیم امور آب

ریاست عمومی مالی و اداری  
ریاست تدارکات  
آمریت تدارکات امور ساختمانی

د افغانستان اسلامی جمهوریت  
د اوبو د چارو تنظیم ملی اداره



## «اعلان تدارکات»

موضوع: پروژه اعمار چهار باب تشناب در مقر اداره ملی تنظیم امور آب.

اداره ملی تنظیم امور آب از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت می‌نماید تا در پروسه داوطلبی پروژه اعمار چهار باب تشناب در مقر اداره ملی تنظیم امور آب اشتراک نموده و سافت شرننامه مربوطه از وب‌سایت‌های اداره ملی تنظیم امور آب، اداره تدارکات ملی به دست آورده، آفرهای خویش را مطابق شرایط مندرج شرننامه و طبق قانون و طرز‌العمل تدارکات طور سربسته از تاریخ نشر اعلان الی ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر روز سه‌شنبه تاریخ ۲۶/۵/۱۴۰۰ به امریت تدارکات امور ساختمانی - ریاست تدارکات، تعمیر بند شاه‌عروس منزل اول سرک دارالامان - سناتوریم اداره ملی تنظیم امور آب تسلیم نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و اینترنتی قابل پذیرش نمی‌باشد.

تضمین آفر به صورت تضمین بانکی مبلغ ۲۹۰۰۰ بیست و نه هزار افغانی می‌باشد.

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پست در منزلتان دریافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکت‌ها

۴۰۰۰ افغانی

۷۰۰۰ افغانی

شش‌ماهه

یک‌ساله

قیمت: ۲۰ افغانی

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



## نقش بازیگران خارجی در روند صلح؛ مشوق‌های اتحادیه اروپا (۲)

ناتالی توکی

مترجم: فاطمه فرامرز

### عوامل تعیین کنندهی اثربخشی نقش اتحادیه اروپا

روابط قراردادی اتحادیه اروپا می‌تواند از طریق سه مکانیسم مرتبط به هم بر تعارضات قومی-سیاسی تأثیر بگذارد. اما این‌که کدام عوامل می‌توانند بر میزان و چگونگی سازوکارهای اتحادیه اروپا برای حل منازعه - به‌شمول مشروط بودن، یادگیری و اجرای منفعلانه- که در بخش اول این ترجمه نشر شده است، بر تعارضات قومی-سیاسی در همسایگی اروپا تأثیر بگذارند، آدر این بخش به بحث گرفته شده است.

### ارزش تأثیرگذاری

اثربخشی هر یک از سازوکارهای مذکور ابتدا به میزان ارزش منافع اتحادیه اروپا در برابر هزینه‌های موافقت با تعهدات اتحادیه اروپا بستگی دارد. اتحادیه اروپا تنها در صورت افزایش سود بالقوه نسبت به هزینه‌ها می‌تواند به‌طور معنا داری بر درگیری‌های مسلحانه در همسایگی خود تأثیر بگذارد. ارزش این تأثیرگذاری توسط ماهیت عقد قرارداد تعیین می‌شود. به‌طور طبیعی وقتی عضویت کامل یک گزینه باشد، قدرت بالقوه اتحادیه اروپا در درگیری بیشتر از مواردی است که روابط مبتنی بر همکاری، مشارکت یا کمک مالی باشد. این مورد پرسشی را مطرح می‌کند که آیا اتحادیه اروپا می‌تواند به‌طور قابل توجهی کشورهای ثالث را تحت تأثیر قرار دهد که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند ادغام شوند یا نه. این موضوع در واقع معضل اصلی سیاست همسایه داری اتحادیه اروپا است که دقیقاً برای یافتن گزینه‌ای برای عضویت کامل اعضای متقاضی اتحادیه اروپا مانند اوکراین و مولدووا-سیاستی که بعداً به جنوب مدیترانه و کشورهای قفقاز جنوبی گسترش یافت- متولد شد.

هنوز ارزش ذهنی منافع اتحادیه اروپا که توسط دست‌کم یک طرف از طرف‌های درگیری به‌عنوان گیرندگان قرارداد درک شده است، به همان اندازه مهم است. از آن‌جا که عضویت در اتحادیه اروپا ممکن است ارزش‌مندترین پیشنهادی باشد که اتحادیه می‌تواند به یکی از طرف‌های درگیری مسلحانه ارائه دهد، ممکن است برای طرف‌های که با حسادت ملی گرایانه از حاکمیت کشورش محافظت می‌کند و به دنبال اتحاد بین‌المللی در جای دیگر است، مورد توجه کمی قرار داشته باشد. بر عکس این موضوع، طرف درگیری هر قدر با «اتحادیه اروپا» ارتباط برقرار کنند یا وابستگی بیشتری به آن داشته باشند، تأثیر بالقوه اتحادیه اروپا بیشتر می‌شود. با این حال بازیگران مختلف

قرارداد کار می‌کند، مشکلات مربوط به ارزش و اعتبار انگیزه‌ها و مشروط‌های اتحادیه اروپا در حل اختلافات به‌وجود می‌آیند. یک رابطه قراردادی موثر اتحادیه اروپا مستلزم استحقاق خودکار حقوق در هنگام انجام تعهدات و برداشت خودکار یا عدم استحقاق مزایا در صورت عدم تحقق آن‌هاست. با این وجود، چنین خودکاری در عمل هرگز وجود ندارد. اعطای سود و برداشت هر یک از منافع به یک توافق در اتحادیه نیاز دارد. برای لازم الاجرا شدن توافق‌نامه انجمن یا معاهده الحاق باید اتفاق نظر دولت‌های عضو و تصویب پارلمان‌های ملی و پارلمان اروپا وجود داشته باشد. چنین اجماعی به انجام تعهدات قراردادی کشور سوم بستگی دارد. اما این امر به عوامل دیگری نیز بستگی دارد که ناشی از الزامات اساسی سیاسی یا اقتصادی است. درجانی از مدیریت سیاسی در تعیین زمان و تأمین شرایط و زمان و این‌که آیا منافع باید اعطا شود یا نه، اجتناب ناپذیر است. با این حال وقتی نقض آشکار بدون عواقب ادامه یابد یا اگر منافع و وجود انجام کلی تعهدات قراردادی اعطا نشود، اعتبار اتحادیه اروپا آسیب می‌بیند. به عبارت دیگر هنگامی که سایر شرایط مشخص نشده در قرارداد بر روابط اتحادیه با کشورهای ثالث حاکم باشد، در این صورت سیاست اتحادیه اروپا کارایی خود را در سیاست خارجی از دست می‌دهد.

در نتیجه ارزش روابط قراردادی اتحادیه اروپا اغلب توانایی قابل توجهی در اتحادیه برای ارتقا اهداف صلح در همسایگی اتحادیه دارد. با این حال این پتانسیل اغلب با اعتبار متزلزل تعهدات قراردادی اتحادیه اروپا روبه‌رو میشود که مانع از چشم انداز موثر مشروط‌ها، یادگیری و اجرای انفعالی می‌شود. مدیریت سیاسی به نوبه خود هم از ارزش روابط اتحادیه اروپا و هم از اعتبار شرایط اتحادیه اروپا در نزد طرفین درگیری می‌کاهد. با آلوده کردن روابط قراردادی با احکام سیاسی که فراتر از طرح روابط قراردادی است، اتحادیه اروپا معمولاً در زیر وزن خود در حل اختلافات مشت می‌زند. منبع: مؤسسه‌ی تحقیقاتی کانسلیشن ریسورس

پایان

دوگانه به نفع یک طرف درگیری تلقی شود، ممکن است یک اثر یادگیری اجتماعی معکوس ایجاد کند. این مشکل به‌ویژه در درگیری‌های جدایی‌طلبانه از قبرس به فضای شوروی سابق، جایی‌که اتحادیه اروپا از ترس غیرمستقیم به رسمیت شناختن، از برقراری هرگونه تماس رسمی با مقامات بالفعل یک نهاد جدایی‌طلب خودداری می‌کند. روابط رسمی با کلان‌شهرها و رنج بردن از موجودیت ناشناخته باعث ایجاد کینه در درون دولت تازه‌تاسیس می‌شود که ممکن است منجر به فاصله‌گرفتن آن از هدف ادغام اروپا و ارزش‌هایی شود که ادعا می‌شود پروژه اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهد. اعتبار اتحادیه اروپا همچنین نیاز به وضاحت در تعیین شرایط و تعهدات دارد. وضاحت یک شرط علاوه بر ارزش اطلاعاتی آن، کلید اعتبار است، زیرا دامنه‌ی تحریف سیاسی یک رابطه قراردادی را کاهش می‌دهد و همچنین با توجه به ماهیت واضح قاعده‌ای که تجربه و جذب می‌شود، احتمال یادگیری و اجرای منفعل را افزایش می‌دهد. حقوق بشر چه زمانی رعایت می‌شود؟ عدالت چه وقت حاصل می‌شود؟ سازش چیست؟ نقض حقوق بشر و ویژگی‌های اقدامات غیردموکراتیک، نژادپرستی و بیگانه‌ستیزی در اتحادیه اروپا و همچنین خارج از آن وجود دارد. رسیدن به یک معیار به‌ندرت مشخص است و اغلب سوال از درجه است. علاوه بر این، اتحادیه معیارهای آماده برای نظارت دقیق بر اجرای اصلاحات سیاسی و تغییر سیاست‌ها ندارد و اغلب الگوهای مشخصی ندارد که قالب مشخصی برای تغییر مورد انتظار در یک کشور سوم فراهم کند.

### مدیریت سیاسی

مدیریت سیاسی به‌جای این‌که تعیین کننده اثربخشی اتحادیه اروپا در نوع خود باشد، توضیح اساسی را در مورد علت برآورده نشدن پتانسیل اتحادیه اروپا در حل اختلاف ارائه می‌دهد. آگاهی طرفین درگیری از مدیریت سیاسی اتحادیه اروپا در روابط قراردادی از یک سو ارزش انگیزه ارائه شده را کاهش می‌دهد در حالی‌که از طرف دیگر از اعتبار شرایط یا تعهدات اتحادیه اروپا می‌کاهد. این امر اغلب به دلیل الزامات سیاسی است که فراتر از طرح

اعتبار تعهدات گذشته از پاداش با ارزش، تأثیر سه مکانیسم ذکر شده نیز به اعتبار اتحادیه اروپا و شرایط یا تعهدات خواسته شده‌ی آن بستگی دارد. اعتبار به درک طرف دعوا از ظرفیت و تمایل اتحادیه اروپا برای انجام تعهدات اعلام شده بستگی دارد. در صورت مشروطیت پیشین، اعتبار مربوط به سابقه اتحادیه در تحقق سودهای وعده داده شده آن، فقط در صورت تحقق شرایط تعیین شده است. در حالی‌که در صورت مشروطیت پسا توافق، اعتبار مربوط به سابقه اتحادیه اروپا در برداشت مزایا در موارد نقض مداوم تعهدات مشخص است. اما در عوض، اعتبار در اجرای انفعالی، مستلزم همکاری زمانی است و فقط وقتی تحقق می‌یابد که قوانین حاکم بر تعامل، توسط همه طرف‌ها رعایت شود. این اعتبار همچنین بر پتانسیل یادگیری تأثیر می‌گذارد، زیرا وقتی هرکدام از طرف‌های درگیر در روابط قراردادی، در احترام به آن ثابت قدم باشند، هنجار خاص ترسیم می‌شود.

در کشورهای درگیر جنگ اگر طرف‌های اصلی مشاهده کنند که اتحادیه اروپا به شرط خواسته‌شده‌ی خود -مانند حقوق اقلیت‌ها در کشورهای عضو مانند فرانسه یا یونان- احترام نمی‌گذارد، اعتبار اتحادیه اروپا به‌شدت آسیب می‌بیند. به همین ترتیب اگر سیاست‌های اتحادیه اروپا به‌عنوان نشان‌دادن معیارهای



### از آن‌جا که عضویت در اتحادیه اروپا ممکن است ارزش‌مندترین پیشنهادی باشد که اتحادیه می‌تواند به یکی از طرف‌های درگیری مسلحانه ارائه دهد، ممکن است برای طرف‌های که با حسادت ملی گرایانه از حاکمیت کشورش محافظت می‌کند و به دنبال اتحاد بین‌المللی در جای دیگر است، مورد توجه کمی قرار داشته باشد.



فروشگاه F45  
 افتتاح شد!



سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info